

جریان‌شناسی مطالعات سبک‌شناسی قرآن در ایران

DOI: <https://doi.org/10.22067/jquran.2025.90398.1759>

دکتر محمد مهدی آجیلیان مافوق (نویسنده مسئول)

استادیار بخش علوم قرآن و فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Email: Majilian@shirazu.ac.ir

یونس بامری

دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

پژوهش حاضر بر پایه روش تحلیل محتوا و با مقایسه آثار، سعی در شناخت جریان‌های شکل گرفته در مطالعات سبک‌شناسی قرآن در ایران دارد. در همین راستا و برای رسیدن به هدف مورد نظر، این پژوهش، جریان‌های سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی در ایران را از جهت زمان، افراد و ویژگی‌ها بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش، بر اساس دامنه زمانی اواسط دهه ۷۰ شمسی تا تابستان ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که سه دوره در مطالعات سبک‌شناسی قرآن در ایران سپری شده است: دوره ورود مباحث سبک‌شناسی، دوره رشد و گسترش مباحث سبک‌شناسی و دوره ظهور رویکردهای پیچیده تر سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی. در دوره اول ویژگی‌هایی چون کلی‌گویی و مشخص نبودن چارچوب‌های مباحث، ابتدائی و غیرکاربردی بودن مطالعات و ضعف در بنیان‌های نظری، دوره دوم مشخصه‌هایی نظیر توجه به بنیادهای نظری، تطبیق مباحث بر آیات قرآن، تکرار پژوهش‌های صورت گرفته نسبت به دوره اول و نوعاً تکراری و توجه به رویکردهای سبک‌شناسانه متفاوت و دوره سوم خصوصیتی شامل تمرکز بر یک لایه زبانی یا یک مولفه خاص از یک لایه زبانی، عمق‌بخشی به مطالعات، ظهور رویکرد سبک‌پژوهی انتقادی و ایجاد پیوند میان مباحث سبک‌شناسی با سایر مطالعات زبان‌شناسی از جمله معناشناسی و کاربردشناسی، از ویژگی‌های متمایزکننده ادوار سه‌گانه است.

واژگان کلیدی: جریان‌شناسی، زبان‌شناسی، سبک‌شناسی، مطالعات قرآنی.

بیان مساله

درباره جریان‌شناسی مطالعات سبک‌شناختی در غرب مطالعات فراوانی انجام شده است؛ از جمله اثر جفرسون^۱ و رابی^۲ (۱۹۸۲م) که در بخشی از کتاب خود به معرفی جریان‌های سبک‌شناختی از جمله ساختارگرایی، پساساختارگرایی و فمینیسم می‌پردازد. همچنین ایگلتون^۳ (۱۹۸۳م) در اثر خود، علاوه بر جریان‌های پیش‌گفته به جریان‌هایی همچون فرمالیسم روسی، مارکسیسم و نقد روانکاوانه می‌پردازد. تolan^۴ (۱۹۹۸م) نیز به مواردی همچون سبک‌شناسی زبانی، روایی، شناختی و ادبی می‌پردازد. لیچ^۵ (۲۰۰۱م) در بخشی از کتاب خود به معرفی جریان‌های سبک‌شناختی از جمله ساختارگرایی، پساساختارگرایی، مدرنیسم، پست‌مدرنیسم، رمانتیسم و فمینیسم می‌پردازد. سیمپسون^۶ (۲۰۱۴م) به جریان‌های سبک‌شناختی زبان‌شناختی، ادبی، کاربردی، انتقادی و گفتمانی می‌پردازد. بورک^۷ (۲۰۱۷م) به جریان‌هایی همچون سبک‌شناسی شناختی، تاریخی، چندوجهی و تطبیقی می‌پردازد.

در میان عرب‌زبانان، غذامی^۸ (۲۰۲۰م) در اثر خود به معرفی جریان‌هایی همچون سبک‌شناسی ادبی، تحلیل گفتمانی، و تحلیل بلاغی می‌پردازد. شوقی^۹ (۲۰۲۱م) علاوه بر موارد پیش‌گفته، سبک‌شناسی کاربردی و تطبیقی را نیز مطرح کرده است. مسکینی^{۱۰} (۲۰۲۲م) نیز تنها سبک‌شناسی بلاغی و شناختی را مطرح کرده است. از جدیدترین آثار عرب‌زبانان در این حوزه، اثر الزهراء^{۱۱} (۲۰۲۳م) است که این اثر نیز به معرفی جریان‌های سبک‌شناسی به‌صورت کلی بسنده کرده است.

در ایران نیز افرادی مانند زرین‌کوب (۱۳۸۵)، قائمی (۱۳۹۴) و شفیعی سروستانی (۱۳۹۵) برخی جریان‌های سبک‌شناسی از جمله سبک‌شناسی زبان‌شناختی، روان‌شناسانه، ساختارگرایانه، پساساختارگرایانه، فمینیستی و انتقادی را مطرح کرده‌اند. مهم‌ترین اثری که در میان پژوهشگران ایرانی تلاش نموده تا تمام جریان‌های سبک‌شناسی را به نوعی در خود جای دهد، کتاب فتوحی (۱۳۹۰) است.

متأسفانه تمام آثار نامبرده، از منظری زبان‌شناختی، مطلق جریان‌های سبک‌شناسی را مورد مطالعه قرار داده‌اند و به بررسی حوزه‌های موضوعی یا منطقه‌ای در مطالعات سبک‌شناسی نپرداخته‌اند. یکی از حوزه‌های موضوعی مطالعات سبک‌شناسی، مطالعات سبک‌شناسی قرآن کریم است. این حوزه موضوعی که در میان سبک‌پژوهان عرب و فارس قدمتی ۳۰ یا ۴۰ ساله دارد، از نقطه آغاز تا زمان انجام پژوهش (تابستان ۱۴۰۳)، فراز و نشیب‌های متفاوتی را به خود دیده است. از این منظر، جریان‌شناسی تاریخی مطالعات سبک‌شناسی قرآنی هم در آثار عرب‌زبانان و هم در میان پژوهشگران ایرانی به‌شدت احساس می‌شود. پژوهش

1. Ann Jefferson

2. David Robey

3. Terry Eagleton

4. Michael Tolan

5. Leitch Vincent

6. Paul Simpson

7. Michael Burke

حاضر که تنها عهددار جریان‌شناسی مطالعات سبک‌شناسی قرآنی در ایران است، می‌کوشد تا هم جریان‌های مختلف سبک-شناسی فعال در مطالعات قرآنی را در میان پژوهش‌گران ایرانی این حوزه، درگذر تاریخ بررسی و معرفی نماید و هم از میزان موفقیت یا عدم موفقیت این آثار، تحلیلی ارائه دهد. اهداف این پژوهش، درک و تحلیل عمیق‌تر متون تولید شده در حوزه سبک‌شناسی قرآنی، مقایسه متون و میزان کارایی آنها در تفسیر قرآن به عنوان یکی از مهمترین اهداف مورد انتظار از پژوهش‌های سبک‌شناسانه، کمک به توسعه و استفاده بیشتر از رویکردهای نوین سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی و ترسیم افق‌های پیش‌رو برای این نوع مطالعات است.

مسئله پژوهش حاضر بررسی برابند کلی و تاریخی مطالعات سبک‌شناختی قرآنی در ایران از بدو ورود، بر اساس دامنه زمانی اواسط دهه ۷۰ شمسی تا تابستان ۱۴۰۳ است. روش پژوهش، تحلیل محتوا و مقایسه آثار از طریق جستجوی نظام‌مند کلیدواژه‌هایی نظیر «سبک‌شناسی»، «سبک‌شناسی لایه‌ای»، «سبک‌شناسی نقش‌گرا»، «انسجام متن»، «سبک‌شناسی گفتمانی»، «سبک‌شناسی»، «تحلیل گفتمان»، «لایه نحوی + صرفی + بلاغی + آوایی + واژگان»، «انسجام متن»، «کنش گفتاری» و «سبک‌شناسی انتقادی» در پایگاه‌های ایران‌داک، علم‌نت، نورمگز، و تارنمای مجلات زبان‌شناسی، و تکمیل داده‌ها با مرور پیشینه پژوهش‌ها، در حجم نمونه ۱۵۰ اثر مورد بررسی قرار گرفت که از این میان، در متن مقاله، صرفاً به ۴۵ مورد به عنوان نمونه به شکل توصیفی، ایجابی یا سلبی استناد شده است. عمده دلایل انتخاب این ۴۵ اثر بدین شرح است: اولین آثار تولید شده برای شکل‌گیری یک جریان یا یک دوره خاص هستند و یا اینکه رویکردهای جدیدی را در میان قرآن‌پژوهان به کار گرفته‌اند. برخی از آثار به دلیل تکراری بودن مباحثشان صرفاً مورد اشاره و نقد قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، برخی آثار جنبه نوآوری داشته‌اند. علت عدم اشاره به سایر آثار این است که عمده این آثار چیزی جز تکرار آثار قبلی در قالب یک سوره جدید نیستند و عملاً کمکی به ایجاد یک جریان یا رویکرد جدید نکرده‌اند و بنابراین نتوانسته‌اند کمکی به مباحث پژوهش حاضر مبنی بر جریان‌شناسی کنند. این پژوهش درصدد است تا اولاً میزان تاثیرپذیری مطالعات سبک‌شناسی قرآنی از سبک‌شناسی جدید ادبی را مشخص نماید؛ ثانیاً سیر کاربردی و تحول مطالعات سبک‌شناسی قرآنی در ایران را با ورود این نوع مطالعات به مباحث قرآنی ارزیابی و مقدار موفقیت یا عدم موفقیت آن را در هر دوره بررسی کند؛ ثالثاً با نگاهی آینده‌پژوهانه به مطالعات سبک‌شناسی قرآن، نقشه راهی برای مطالعات بعدی در این حوزه، جهت جلوگیری از تکراری شدن آثار مربوطه و عمق بخشی به این نوع مطالعات، ارائه دهد.

۲. سبک‌شناسی

کلمه سبک (اسلوب/style)، در لغت به معنای «ذوب کردن و در قالب ریختن»^۸ است. واژه اسلوب به معنای فن و طریق است^۹ و عبدالقاهر جرجانی، استاد علماء بلاغت، آن را گونه‌ای از نظم می‌داند.^{۱۰} در تعریفی ساده از سبک، سبک را می‌توان شیوه نویسنده در انتخاب و چیدن کلمات برای بیان معانی با هدف شفاف‌سازی و تأثیرگذاری بر مخاطب یا مخاطبان دانست؛ به

^۸ . فراهیدی، العین، ۳۱۷/۵.

^۹ . ابن منظور، لسان العرب، ۴۷۳/۱.

^{۱۰} . جرجانی، دلائل الاعجاز، ۴۶۸/۱.

عبارت دیگر، هر شیوه خاصی برای استفاده از زبان سبک است، به شرط اینکه این روش، ویژگی بارز یک نویسنده، مدرسه، دوره زمانی یا اثر ادبی باشد.

سبک‌شناسی مدرن یکی از شاخه‌های دانش زبان‌شناسی جدید است که به تحلیل دقیق سبک‌های ادبی یا انتخاب‌های زبان‌شناختی گویندگان و نویسندگان می‌پردازد.^{۱۱} تفاوت سبک‌شناسی با زبان‌شناسی بدین صورت است که هدف زبان‌شناسی، شناخت زبان به طور کلی و بدون نظر به خصوصیات فردی است تا نشان دهد که زبان چگونه کار می‌کند؛^{۱۲} اما هدف سبک-شناسی توجه به خصوصیات فردی یک متن است، اگرچه معیارها و ابزارهای خود را از زبان‌شناسی جدید می‌گیرد.^{۱۳} مأموریت سبک‌شناسی جدید، تجزیه و تحلیل پدیده‌های زبانی قابل توجهی است که در ساختار متن نهفته است.^{۱۴}

خاستگاه سبک‌شناسی جدید ریشه در تمایزی دارد که دو سوسور^{۱۵} (۱۹۱۳-۱۸۵۳م) بین زبان و گفتار قائل شد که زبان مخلوق انسان و نظامی از نشانه‌هاست که بیانگر افکار است^{۱۶} و بنابراین ارزش بیانی تازه‌ای به سبک می‌دهد.^{۱۷} به گفته سوسور، زبان مجموعه‌ای از نظام‌ها و نمادهای انتزاعی است که در ذهن افراد یک گروه زبانی وجود دارد، در حالی که گفتار تحقق عملی آن نظام‌ها و نمادها در یک کاربرد معین گفتاری یا نوشتاری است.^{۱۸} این ایده همان چیزی است که شاگرد سوسور، شارل بالی^{۱۹} (۱۸۶۵-۱۹۴۷) را به مطالعه سبک از طریق روش‌های زبانی کشاند. بر این اساس است که بالی را منشا سبک‌شناسی می‌دانند. او اولین کتاب خود را با عنوان (پژوهشی در سبک‌شناسی فرائسوی)^{۲۰} در سال ۱۹۰۲ میلادی منتشر کرد و آن را علمی دانست که واقعیت‌های بیانی زبان را از نظر محتوای عاطفی آن مطالعه می‌کند.^{۲۱}

۱۱. ابوالعدوس، البلاغه و الاسلوب، مقدمات عامه، ۱۶۱.

۱۲. راجحی، علم اللغة و النقد الادبی (علم الاسلوب)، ۱۱۶.

۱۳. جبر، الدراسات الاسلوبية العربية بين النظرية والتطبيق، ۲۷.

۱۴. عبدالمطلب، البلاغه و الاسلوب، ۲۷۲.

۱۵. Ferdinand de Saussure.

۱۶. سوسور، دورة زبان‌شناسی عمومی، ۲۳.

۱۷. درویش، الاسلوب و الاسلوب، ۶۴.

۱۸. سوسور، دورة زبان‌شناسی عمومی، ۲۱.

۱۹. Charles Bally.

۲۰. A treatise on French stylistics.

۲۱. فضل، بلاغه الخطاب و علم النص، ۱۷.

در طول سده اخیر جریان‌های مختلف سبک‌شناسی به دلیل تعدد نگاه‌ها به مطالعه سبک ادبی، در قالب رویکردهای گوناگونی، شامل رویکرد بیانی،^{۲۲} رویکرد فردی،^{۲۳} رویکرد ساختاری^{۲۴} و رویکرد کارکردی^{۲۵} شکل گرفته است. همچنین جریان‌های مختلف سبک‌شناسی در عصر حاضر، به چهار رویکرد سنتی، زبان‌شناسانه، آماری و فرهنگی - اجتماعی تقسیم می‌شوند.^{۲۶}

۳. ریشه سبک‌شناسی در زبان عربی

با اینکه بسیاری از محققین منشأ سبک‌شناسی در زبان عربی و آیات قرآن را به نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی (م ۴۷۱ یا ۴۷۴ ق) در کتاب دلائل الاعجازش نسبت می‌دهند؛^{۲۷} اما تحقیقات سبک‌شناسی را می‌توان به ماقبل او و در تحقیقات زبان‌شناسان اولیه اسلامی مانند خلیل بن احمد (م ۱۷۵ ق)، سیبویه (م ۱۸۰ ق) و ابن جنی (م ۳۹۲ ق) پی جویی کرد. برای نمونه ابن جنی^{۲۸} و سیبویه^{۲۹} درباره سطح آوایی به ماهیت رابطه بین کلمه و ساختار آوایی آن و تناسب بین این ساختار و معنایی که به تنهایی یا در جمله بر آن دلالت می‌کند، پرداخته‌اند. همچنین در مورد سطح صرفی، سیبویه^{۳۰}، ابن جنی^{۳۱} و زمخشری^{۳۲} به دلالت مشترک بین صیغه‌ها در زمینه‌های مختلف و تطابق بین صیغه‌ها و معانی (دلالت مرکزی) اشاره کرده‌اند. به همین ترتیب، زبان‌شناسان گذشته بین معنای صیغه‌ها و کلمات، میان مواردی که به تنهایی یا همراه با یک ترکیب به کار می‌رفتند، تفاوت قائل می‌شدند.^{۳۳} همچنین در مطالعات اولیه کسانی چون ابوعبیده، فراء، ابن قتیبه، باقلانی و... دیدگاه‌های تازه‌ای درخصوص نظارت بر دگرگونی‌های صیغه‌ها و تغییرات معنایی در قرآن یافت می‌شود.^{۳۴} با این حال، این موضوع در قرون بعدی توسعه بیشتری داشته، تا جایی که تفاسیر تخصصی در توجه به تجزیه و تحلیل صرفی علاوه بر تحلیل نحوی ظاهر شده است. این در حالی است که علاقه به تبیین معانی لغوی و سیاقی کلمات در همه کتب تفسیری از جمله المحرر الوجیز ابن عطیه (م ۵۴۲ ق)، البحر المحیط ابوحیان اندلسی (م ۴۵۵ ق)، روح المعانی آلوسی (م ۱۲۷۰ ق) و التحرير والتنویر ابن عاشور (م ۱۳۹۳ ق) تا به امروز باقی مانده

۲۲. گیرو، الأسلوبیة، ۴۵.

۲۳. گیرو، الأسلوبیة، ۷۴.

۲۴. گیرو، الأسلوبیة، ۱۱۵.

۲۵. گیرو، الأسلوبیة، ۹۹.

۲۶. ر.ک: فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۲۵-۱۲۶.

۲۷. ر.ک: هندای، مستويات دلالة الكلمة بين البلاغة والأسلوبیة، ۳۴۶-۳۵۰.

۲۸. ابن جنی، الخصائص، ۱۵۲/۲.

۲۹. سیبویه، الکتاب، ۲۴۱/۲.

۳۰. سیبویه، الکتاب، ۲۱۸/۲.

۳۱. ابن جنی، الخصائص، ۱۵۲/۲.

۳۲. زمخشری، الکشاف، ۱۵۹/۳.

۳۳. جرجانی، عبدالقاهر. دلائل الاعجاز، ۵۴۰.

۳۴. ر.ک: هندای، مستويات دلالة الكلمة بين البلاغة والأسلوبیة، ۳۷۵-۳۹۸.

است که بیانگر آن است که زبان‌شناسان و مفسران در مطالعه قرآن از این رویکرد غافل نبوده‌اند؛ خصوصاً اینکه تفسیر التحریر و التتویر تقریباً به تحلیل سبک‌شناسی معاصر بسیار نزدیک است.

۴. سبک‌شناسی جدید در ایران و جهان عرب

ورود مباحث سبک‌شناسی جدید به ایران را باید در دهه ۱۳۲۰ش و در کتاب سه جلدی ملک الشعرای بهار با عنوان «سبک-شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی» جست و جو کرد. ایشان در مقدمه این کتاب به تعریف اصطلاحی از سبک‌شناسی می‌پردازد و می‌کوشد با همین تعریف، سیر تطور نثر فارسی را بررسی کند. بهار در این کتاب به شناخت خصوصیات صرفی و نحوی زبان پارسی هر دوره و واژگان و کیفیت تعبیر هر صاحب اثر بیشتر از مضمون و محتوی و طرز ادراک تکیه کرده است.^{۳۵} شاگردان بهار در ادامه راه او در آثار خود به مباحث سبک‌شناسی پرداخته‌اند؛ افرادی مانند اختیار، محجوب، خطیبی، زرین‌کوب و در نسل بعد شفیع کدکنی، پورنامداران، شمیسا، حق‌شناس، موحد و... که در تثبیت دانش سبک‌شناسی در ادبیات پارسی نقش بسزایی ایفا کرده‌اند.^{۳۶}

در خصوص سبک‌شناسی در میان عرب‌زبانان معاصر شاید مطالعه الطرابلسی (۱۹۸۱م) را که سبک‌شناسی کاربردی دیوان اشعار احمد شوقی است، بتوان اولین اثر در زمینه سبک‌شناسی کاربردی در جهان اسلام دانست. اولین اثر در خصوص مطالعات سبک‌شناسی قرآنی در زبان عربی، مربوط به عدنان (۱۹۹۰م) است که به بررسی سبک‌شناختی سوره فرقان در سطوح زبانی مختلف می‌پردازد. بعد از او هندای (۱۹۹۶م) با استفاده از کتاب الطرابلسی، تحقیقی در خصوص سطح صرفی سوره نازعات به عنوان بخشی از پایان‌نامه دکترایش انجام می‌دهد که این اثر، یکی از اولین آثار در حوزه مطالعات سبک‌شناسی کاربردی در خصوص قرآن به حساب می‌آید. سپس هندای مطالعه سبک‌شناختی خود در مورد سوره نازعات را توسعه داده و آن را با عنوان: «سوره النازعات: قراءه اسلوبیه»، در سال ۲۰۰۱م منتشر کرد. پس از هندای مطالعات سبک‌شناختی فراوانی درباره سوره‌های قرآن کریم از سوی دانشمندان جهان عرب و مسلمان صورت گرفت و همچنان این روند ادامه دارد.

۵. ادوار سه گانه مطالعات سبک‌شناسی قرآن در ایران

از اواسط دهه ۷۰ شمسی تا تابستان ۱۴۰۳ که دامنه این پژوهش را شامل می‌شود، می‌توان از وجود سه دوره در مطالعات سبک‌شناسی قرآن در ایران نام برد: یک. دوره ورود مباحث سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی؛ دو. دوره رشد و گسترش مباحث سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی؛ سه. دوره ظهور رویکردهای پیچیده‌تر سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی.

۵-۱. ورود مباحث سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی

نخستین دوره، که از اواسط دهه ۷۰ شمسی شروع و تا اواخر دهه ۸۰ ادامه یافت، دوره ورود مباحث سبک‌شناسی جدید به حوزه مطالعات قرآنی است. ویژگی این دوره را باید کلی‌گویی درباره مباحث سبک‌شناسی دانست که تنها اشاره‌وار برخی از رویکردها مطرح می‌شوند و از مباحث بنیادین و مباحث کاربردی سبک‌شناسی درباره آیات قرآن اثری دیده نمی‌شود. در این

^{۳۵}. یوسفی، «نظری به سبک‌شناسی استاد بهار»، ۸۵.

^{۳۶}. زرین‌کوب، شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب، ۱۷۳.

دوره، باتوجه به عدم آشنایی کافی پژوهشگران قرآنی با مباحث سبک‌شناسی جدید، حدود و ثغور مباحث سبک‌شناسی نسبت به قرآن روشن نیست و حتی بنیان‌های نظری این شاخه جدید زبان‌شناسی در مطالعات قرآنی، در میان پژوهشگران این حوزه، ناشناخته است، به همین دلیل، چالش عمده این دوره را می‌توان عدم تفکیک میان سبک‌شناسی لغوی و اصطلاحی دانست.

در این دوره، توجه به مباحث سبک‌شناسی در حوزه مطالعات قرآنی، نه از جهت الهام گرفتن از مطالعات سبک‌شناسی نظم و نثر پارسی بلکه از جهت مطالعه آثار سبک‌شناختی دانشمندان جهان عرب است. این مسئله را می‌توان از اولین آثاری که در این زمینه کار شده به خوبی دریافت که تکیه مباحث سبک‌شناسی‌شان بر مطالعات عرب‌زبانان در این موضوع است. در این زمینه می‌توان از کتاب «سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن» محمدکریم کواز (۱۳۸۷) و کتاب خلود العموش (۱۳۸۸)، محقق عرب-زبان، با نام «گفتمان قرآن؛ بررسی زبان‌شناختی پیوند متن و بافت قرآن»، که هردو توسط سید حسین سیدی ترجمه شده و کتاب «سبک‌شناسی قرآن کریم؛ تحلیل زبانی»، اثر عبدالرئوف حسین (۱۳۹۰) با ترجمه پرویز آزادی نام برد. کتب کواز و حسین گرچه مباحث سبک‌شناسی لایه‌ای را مطرح می‌کنند اما از سبک‌شناسی لایه‌ای یک سوره خاص در آنها خبری نیست و تنها کتاب العموش است که علاوه بر اینکه مباحث تحلیل گفتمانی را وارد فضای قرآنی ایران کرد، به بررسی مبانی مباحث گفتمان، رابطه متن با بافت و موقعیت، توجه دانشمندان مسلمان گذشته و عرب‌زبانان معاصر به این رابطه و در نهایت تحلیل بخش‌هایی از سوره فاتحه با نگاه تحلیل گفتمانی، پرداخته است. کتاب مذکور که کتابی پرفایده برای آشنایی با تحلیل گفتمانی است عمدتاً به عنوان منبع برای پژوهش‌های بعدی با این رویکرد محسوب می‌شود.

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۱	مقاله	محمد دیانتی	۱۳۷۵	پیش‌درآمدی بر سبک‌شناسی قرآن
۲	مقاله	سید محمدتقی طیب	۱۳۷۹	تحلیل کلام خدا (بحثی گفتمانی پیرامون متن قرآن مجید)
۳	مقاله	سید موسی صدر	۱۳۸۰	فلسفه مردانه بودن گفتمان قرآنی
۴	پایان نامه	آشور قلیچ پاسه	۱۳۸۱	اسلوب ندا در قرآن
۵	مقاله	ابوالفضل ساجدی	۱۳۸۱	نظریه کنش‌گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن
۶	کتاب	محمد فاضلی	۱۳۸۲	پژوهشی در برخی از شیوه‌های بیان قرآن کریم
۷	کتاب	سید حسین سیدی؛ محمدعلی کاظمی تبار	۱۳۹۳	سبک‌شناسی خطاب‌های خداوند به پیامبر اکرم (ص)

در اشاره به برخی از آثار نگارش شده در این دوره، توجه به نکات ذیل مناسب است:

- پژوهش دیانتی (۱)، نخستین گام در توجه به ظرفیت عظیم قرآن به عنوان نمونه‌ای برای پژوهش‌های سبک‌شناسانه توسط پژوهشگران ایرانی است که در اواسط دهه ۷۰ شمسی انجام شده است. در این پژوهش، به صورت فهرست‌وار از ظرفیت‌های فراسبکی، فرازبانی و فراهنجاری قرآن، توجه به لایه‌های مختلف زبانی و نیز سبک‌شناسی قرآن با استفاده از رویکردهای ساختارگرا، توصیفی، نقش‌گرا، تکوینی و آماری، توجه به کلام معصومان(ع)، جنبه تأویلی آیات در جهت سبک‌شناسی قرآن و... سخن به میان آمده است؛ بدون اینکه به گونه عملی به این مباحث بپردازد و آنها را بر قرآن تطبیق کند. این پژوهش که در زمان خود پژوهشی آینده‌پژوهانه در حوزه مطالعات زبان‌شناسی قرآن است، نقطه شروعی بر پژوهش‌های سبک‌شناسی قرآن به حساب می‌آید، اگرچه ایده نگارنده در میان قرآن پژوهان ایرانی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و اولین پژوهش‌های کاربردی سبک‌شناختی قرآن، حدود ۱۵ سال بعد آغاز می‌شود.
- پژوهش ساجدی (۵) در اوایل دهه هشتاد، آغازی بر رویکرد سبک‌شناسی گفتمان قرآنی است. این پژوهش، بدون بسط و توضیح لازم، صرفاً به برخی از کنش‌های گفتاری و عاطفی قرآن اشاره می‌کند.
- گفتنی است پژوهش‌های طیب (۲)، صدر (۳)، قلیچ (۴)، فاضلی (۶)، در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰، و حتی برخی آثار در دهه ۹۰ مانند پژوهش سیدی و کاظمی تبار (۷)، تنها ادامه‌ای بر پژوهش‌های بلاغی قدیم هستند؛ نه پژوهشی در سبک‌شناسی جدید. در این پژوهش‌ها، عموماً مراد از سبک یا اسلوب یا گفتمان و حتی سبک‌شناسی و گفتمان‌شناسی همان معنای لغوی آنهاست؛ نه معنای اصطلاحی جدید در حوزه مباحث زبان‌شناسی مدرن و نه سبک-شناسی قرآن با استفاده از رویکردهای لایه‌ای یا گفتمانی.

۲-۵. رشد و گسترش مباحث سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی

دوره دوم که از اواخر دهه ۸۰ آغاز و تا اواسط دهه ۹۰ ادامه دارد، دوره رشد نسبی مطالعات سبک‌شناختی قرآنی است. در این دوره، هم از رویکردهای مختلف سبک‌شناسی در تحلیل آیات قرآن استفاده می‌شود و هم مطالعات از حالت ابتدایی و نوپای خود خارج شده و به سمت تخصصی شدن پیش‌رفته‌اند.

مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

یک. برخلاف سایر مطالعات سبک‌شناسی ادبی در دنیا و ایران که تقریباً فاصله زمانی چند ساله‌ای میان مباحث نظری و مباحث کاربردی و نمونه‌های عملی وجود دارد؛ اما در حوزه مطالعات سبک‌شناسی قرآنی فاصله مذکور عملاً وجود ندارد و مطالعات سبک‌شناسی مستقیماً روی خود آیات قرآن پیاده می‌شود، بدون اینکه به بنیان‌های نظری کار و نقاط قوت و ضعف این مطالعات درخصوص قرآن پرداخته شود و همین باعث می‌شود که هنوز این مطالعات با ضعف بنیان‌های نظری روبه‌رو باشد.

دو. از ویژگی‌های این دوره، باید به ابتدایی بودن مباحث هم در حوزه نظری و هم در حوزه کاربردی اشاره کرد که کمتر به جنبه‌های تخصصی پرداخته می‌شود و عمده مباحث به‌طور کلی و بدون ذکر شواهد کافی برای هر لایه آورده می‌شود. از همین روست که در مطالعات صورت گرفته سخن از بررسی تمام سطوح زبانی است اما در عمل تنها بخشی از سطوح آن هم به طور ناقص مورد بررسی قرار می‌گیرند.

سه. از ویژگی‌های دیگر این دوره کارکرد تکرارگونه مطالعات سبک‌شناسی است؛ بدین معنی که یک اثر با یک رویکرد سبک‌شناسی مشخص خلق می‌شود و بقیه پژوهشگران صرفاً با همان روش مقاله اولیه آثار متعددی خلق می‌کنند و تنها فرق مقالات تفاوت در موضوع انتخابی است که حاکی از نوعی رکود و درج‌زدن در استفاده از روش‌های سبک‌شناسی جدید است. گرچه که این آفت در بسیاری از مطالعات جهان وجود دارد و منحصر به مطالعات قرآنی نمی‌شود اما چون هدف از استفاده از رویکردهای جدید در مطالعات قرآنی فهم جدید از آیات و کشف روش‌های نو در بررسی آیات است لذا تکرار مباحث یکی از موانع رسیدن به این اهداف است. البته باید گفت که این تکرارگونه در دوره بعدی نیز به وفور مشاهده می‌شود که منجر شده بسیاری از مطالعات نه ابزار جدید سبک‌شناختی و نه روش جدید و نه حتی تبیین مبانی نظری داشته باشند.

چهار. در این دوره برخی از مطالعات با استفاده از یک ابزار خاص سبک‌شناسی یا یک سطح خاص از سبک‌شناسی نیز مشاهده می‌شود که گرچه غنا و عمق لازم را ندارند اما نویدبخش مطالعات تخصصی حول یک لایه خاص یا یک مولفه خاص از یک لایه را می‌دهند و درواقع اینها را می‌توان نمونه‌های اولیه برای دوره بعدی دانست که هنوز نتوانسته‌اند جایگاه مهمی در مطالعات قرآنی پیدا کنند.

پنج. به نظر می‌رسد در این دوره درک ناکافی از ظرفیت‌های زبان‌شناسی مدرن در میان قرآن‌پژوهان معاصر، ناشی از وابستگی به ابزارها و پیش‌فرض‌های سنتی تفسیر (مانند صرف، نحو، و بلاغت) است که موجب شده است در برخی از موارد دانش‌های نوین ادبیات مدرن را امتداد طبیعی سنت‌های گذشته تلقی کنند. این نگرش در پژوهش‌هایی مانند تأکید خاقانی و اصغری بر پیوند عمیق بلاغت قدیم و سبک‌شناسی جدید،^{۳۷} ادعای مومن‌نژاد و همکاران درباره یکسانی معیارهای بلاغت و زبان‌شناسی جدید،^{۳۸} استناد حسونند به همپوشانی نظریه کنش‌گفتاری با بلاغت اسلامی،^{۳۹} و کوشش سادات الحسینی و دیگران برای یافتن اشتراکات میان نظریه «نظم» جرجانی و نقش‌گرایی هلیدی بازتاب یافته است.^{۴۰} حتی برخی محققان این دو حوزه دانشی را کاملاً همسان می‌دانند.^{۴۱} چنین رویکردی بدون نقد جدی، مانع از بهره‌گیری اصیل و تحلیلی از چارچوب‌های زبان‌شناسی مدرن در مطالعات سبک‌شناسی قرآن شده است.

در این دوره، پژوهشگران قرآنی با مطالعه آثار سبک‌شناسی عرب‌زبانان به‌طور عام و فارس‌زبانان فعال در حوزه مطالعات ادبی به‌طور خاص، به شناخت قابل ملاحظه‌ای از رویکردهای سبک‌شناسی دست پیدا کرده‌اند، سعی‌شان بر آن است تا این مباحث را به‌گونه‌ای کاربردی و مصداقی بر آیات قرآن تطبیق کنند. در همین راستا مطالعات سبک‌شناختی قرآن با رویکردهایی از جمله رویکرد بیانی یا لایه‌ای، گفتمانی، نقش‌گرا و ساختارگرایانه دنبال می‌شود که در ادامه به نمونه‌های آن پرداخته خواهد شد.

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
------	-----	-----------	-----	-------

^{۳۷}. خاقانی و اصغری، سبک‌شناسی سوره مریم (ع): ۹۴.

^{۳۸}. مؤمن‌نژاد و همکاران، سبک‌شناسی سوره نازعات، ۷۷.

^{۳۹}. حسونند، تحلیل متن سوره مریم براساس نظریه کنش‌گفتاری با تأکید بر الگوی جان سرل، ۴۹.

^{۴۰}. سادات الحسینی و دیگران، بررسی و تحلیل نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی در پرتوی نظریه نقش‌گرایی هلیدی: سراسر اثر.

^{۴۱}. نصرتی و همکاران، سبک‌شناسی سوره ذاریات، ۲۰۴.

۸	مقاله	علی حاجی خانی	۱۳۹۱	الاسلوب و الاسلوبیه و عناصر الاسلوب الادبی من منظور القرآن الکریم
---	-------	---------------	------	--

همچنین در این دوره، توجه به مبانی نظری سبک‌شناسی قرآنی که جای خالی آن احساس می‌شد، با اثر حاجی خانی (۸)، آغاز می‌شود. در این اثر، به برخی از مهمترین تفاوت‌های مبنایی سبک‌شناسی اسلامی با سبک‌شناسی غربی و نیز عناصر سبک از جمله ایمان به غیب، تقدس کتاب الهی، نیت و... اشاره شده است.

۱-۲-۵. رویکرد بیانی یا لایه‌ای

این رویکرد که از آن با عنوان رویکرد لایه‌ای یا سطوح زبانی نیز یاد می‌شود، پرتکرارترین نوع مطالعه سبک‌شناسی در ایران به‌طور عام و در مطالعات قرآنی به‌طور خاص است، به‌گونه‌ای که بیشترین مقالات و کتب سبک‌شناسی در حوزه نظم و نثر پارسی و نیز حوزه قرآن براساس این رویکرد تالیف شده‌اند. این رویکرد که مهمترین رویکرد سبک‌شناسی ایران است، با آثار ملک‌الشعرای بهار و شاگردانش که به سطوح زبانی اهتمام داشته‌اند، شناخته می‌شود.

در روش سبک‌شناسی بیانی یا لایه‌ای، سبک‌شناس در سطح آوایی به تناسب اصوات با معانی، مقام و سیاق از حیث دارا بودن حروف بر تفخیم، ترقیق، جهر، همس (زمزمه)، انطباق، انفتاح، مدّ، لین، اظهار، ادغام، تنوین، اخفاء، استعلاء، تجانس، تعادل و... می‌نگرد. در سطح صرفی به تناسب صیغه کلمه از نظر اسم یا فعل یا مشتق بودن آن که اگر اسم است به تناسب وزنی که بر طبق آن آمده و اگر فعل است در دلالتش بر ماضی یا مضارع یا امری بودن یا ثلاثی و رباعی بودن و اگر مشتق باشد به اینکه اسم فاعل یا اسم مفعول یا صیغه مبالغه و... نیز به تناسب همه موارد مذکور با سیاق و مقام می‌پردازد. در سطح نحوی به اجزاء ترکیب‌ها از حیث تقدیم و تأخیر، حذف یا ذکر، جدایی یا اتصال، ایجاز یا اطناب، تعریف و تنکیر، خبر یا انشاء و دیگر مطالبی که در مباحث معناشناسی و سایر مطالعات سبک‌شناسی مدرن ذکر کرده‌اند، توجه و دقت می‌کند.^{۴۲}

در سطح واژگانی و تصویری به تصویر معنایی موجود در این کلمات و ترکیبات از طریق تشبیه، استعاره، کنایه و انواع مجاز که در علم بیان به تفصیل آمده است و همچنین به تصویر هنری که ترکیبات و کلمات دربردارند که ابزارهای مختلف آوایی، واژگانی، صرفی، نحوی (دستوری) که قبلاً توضیح داده شد، می‌نگرد. همچنین به ابزارهای تحسین و تزئین آن، که عبارت‌اند از: سجع، جناس، مطابقه، التفات، احتراس، تکمیل، تتمیم و دیگر مباحثی که بلاغیون در علم بدیع ذکر کرده‌اند که هم در ترسیم تصویر زیبا و هم در روشن کردن معنا که چیزی جدید و مفید را به ارمغان آورد، می‌نگرد.^{۴۳} همچنین سبک‌شناس به دلالت‌های فنی موارد پیش گفته و ارزش آنها و نیز تطابق آنها با مقتضای حال نیز توجه و دقت دارد.^{۴۴}

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
------	-----	-----------	-----	-------

^{۴۲}. هنداو، التفسیر الاسلوبی للقرآن الکریم؛ عرض و تقویم، ۴۷.

^{۴۳}. هنداو، التفسیر الاسلوبی للقرآن الکریم؛ عرض و تقویم، ۴۸.

^{۴۴}. هنداو، التفسیر الاسلوبی للقرآن الکریم؛ عرض و تقویم، ۴۸.

۹	مقاله	محمد خاقانی و محمد اصغری	۱۳۸۹	سبک‌شناسی سوره مریم (ع)
۱۰	مقاله	نصرالله شاملی؛ سمیه	۱۳۹۰	دراسة اسلوبیه فی سوره ص
۱۱	مقاله	علی نظری؛ کبری خسروی؛ سمیرا جدی	۱۳۹۱	سبک‌شناسی سوره تکویر
۱۲	پایان نامه	فرشته بهرامیان	۱۳۹۲	بررسی سبک‌شناسی سوره توبه
۱۳	مقاله	قادر قادری	۱۳۹۲	سبک‌شناسی استعاره تمثیلیه در قرآن کریم
۱۴	مقاله	حسین کیانی و سمانه قلاوند	۱۳۹۳	الظواهر الاسلوبیه فی سوره الانعام
۱۵	پایان نامه	فاطمه گلیج	۱۳۹۳	سبک‌شناسی سوره یس

آغاز مباحث سبک‌شناسی بیانی در حوزه مطالعات قرآنی به اواخر دهه ۸۰ به اثر خاقانی و اصغری (۹) برمی‌گردد که اولین اثر در زمینه سبک‌شناسی کاربردی قرآن با رویکرد توصیفی - بیانی است و مشخصاً برخی از آیات قرآن را تحلیل سبک‌شناسانه کرده است. در این اثر، آیات سوره مریم از جهت واژگان، ترادف، مشترک لفظی، تکرار، افراد، جمع، تعریف، تکبیر و آواشناسی بررسی شده است. در این اثر، از رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای نامی برده نشده است، از این‌رو به ساختار و ریز مباحث این رویکرد پابندی دیده نمی‌شود و تنها برخی از لایه‌های سبک‌شناسی بررسی می‌شوند. همچنین به مباحث و مبانی نظری این رویکرد پرداخته نمی‌شود. در هر حال، این اثر را می‌توان نقطه شروعی برای مطالعات سبک‌شناختی لایه‌ای قرآن دانست.

اثر بعدی، با فاصله یک سال، اثر شاملی و حسنعلیان (۱۰) به زبان عربی است که برای اولین بار از سطوح صوتی، دلالتی، ترکیبی و تصویری سخن می‌گوید. در این اثر، همچنان از سطوح صرفی و نحوی سخنی به میان نیامده و در سطح ترکیبی نیز تنها به تکرار و استفهام اکتفاء شده است؛ اما در مقایسه با اثر قبلی از نظم ساختاری بهتری برخوردار است و تا حدودی به مبانی نظری این رویکرد هم توجه شده است. این اثر نوید عمق‌بخشی به مطالعات سبک‌شناختی قرآنی با رویکرد لایه‌ای است.

اثر نظری و همکاران (۱۱) تا حدودی نسبت به مقالات قبلی از گستردگی بیشتری از لحاظ بررسی لایه‌ها برخوردار است. همچنین اثر بهرامیان (۱۲) با شواهد بیشتری در سبک‌شناسی لایه‌ای سوره همراه است. اثر قادری (۱۳) حاکی از نگاه جزئی و

مطالعه موردی به سبک‌شناسی است و در آن به بررسی مواردی همچون تعریف و تنکیر، تقدیم و تأخیر، استفهام، امر و تکرار می‌پردازد که حاکی از این است که تنها سطح نحوی را آن هم به طور ناقص مورد بررسی قرار داده است. علی‌رغم نواقص روشی، این اثر را می‌توان نویدبخش مطالعات تخصصی در یک مولفه خاص سبک‌شناسی دانست. اثر کیانی و قلاوند (۱۴) اگرچه از بررسی سطوح زبانی به طور کامل در سوره انعام سخن می‌گوید؛ اما در عمل تنها عنصر تکرار، تقدیم و تأخیر، استفهام، التفات و حوار را که تنها برخی از مولفه‌های لایه نحوی و بلاغی است، بررسی می‌کند و به بقیه لایه‌ها نمی‌پردازد. اثر گلیچ (۱۵)، اثری متمایز است که سوره یس را با رویکردهای مختلف، از جمله: رویکرد لایه‌ای، نقش‌گرا و ساخت‌گرا مورد تحلیل قرار می‌دهد. این اثر، نمونه‌نویی از ترکیب رویکردهای مختلف برای تحلیل جامع یک سوره است.

۵-۲-۲. رویکرد ساختارگرا

این رویکرد که در اواسط قرن بیستم میلادی و متأثر از ساختارگرایان در آثار افرادی مانند پی‌یر گویراود^{۴۵} (۱۹۷۰)، آخمانوف^{۴۶} (۱۹۷۹) و تیلور^{۴۷} (۱۹۸۰) رواج یافت، بر این اصل بنا شده که هر سازه زبانی در ارتباط با دیگر سازه‌ها ارزش پیدا می‌کند. در این روش، معنا و دلالت، ارزشمند اما فرعی است و هدف، کشف روابط پنهان میان سازه‌هاست.^{۴۸} سبک‌شناس ساختارگرا در پی آن است که از شکل و ساخت به معنای پیام پی ببرد، بدین شکل که باید عناصر جزئی را با یکدیگر و در رابطه با کل سیستم بررسی کند.^{۴۹} بنابراین هر جزئی بدون در نظر گرفتن سایر اجزاء و نیز بدون در نظر گرفتن کل سیستم، هیچ معنایی ندارد. ساختارگرایان به جای بررسی زندگی نویسنده و تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی و... بر او و نوشته‌اش، صرفاً به بررسی ساختارهای ادبی - زبانی متن می‌پردازند. ساختارگرایان می‌خواهند بدانند متن چگونه معنا می‌دهد؛ نه اینکه چه معنایی می‌دهد.^{۵۰} سبک‌شناس به دنبال این است که چگونه میان آواها، واژگان، ترکیبات و ساخت‌های نحوی و بلاغی جملات تناسب‌های ساختاری وجود دارد و از دل آن ساختارها و تناسب‌ها، ویژگی‌های سبکی اثر را شناسایی می‌کند.^{۵۱} سبک‌شناس بر پایه سطوح آوایی، ترکیبی (نحوی) و معنایی به بررسی متن می‌پردازد؛ بدین صورت که در سطح آوایی، مباحثی چون تکرار اصوات مد، تکرار حروف و تطابق صفات آنها با معنای آیات و همچنین فاصله آیات بررسی می‌شود؛ در سطح دلالت‌های ترکیبی، جملات خبری و انشایی و در ذیل آن اسالیب امر و نهی، استفهام، تأکید، تعریف و تنکیر مورد توجه قرار می‌گیرد و در سطح معنایی، صنعت تضاد، ترادف، استعاره و جناس را بررسی می‌کند.

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
------	-----	-----------	-----	-------

^{۴۵}. Pierre Guiraud

^{۴۶}. Akhmanov. O.

^{۴۷}. Talbot Taylor, J.

^{۴۸}. جیگاره و صادقی، «بررسی و تحلیل سوره انفطار با تکیه بر نظریه ساختارگرایی»، ۵۱.

^{۴۹}. فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۴۶.

^{۵۰}. صدقی و پرنوش، «سبک‌شناسی ساختارگرایانه خطبه ۸۷ نهج البلاغه»، ۱۷۷.

^{۵۱}. فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۴۶.

۱۶	پایان نامه	الهام عارفی پور	۱۳۸۹	آیات قیامت در قرآن از منظر نظریه ساختارگرایی با تأکید بر سوره حاقه
۱۷	پایان نامه	حدیث دولتشاه	۱۳۹۲	تحلیل ساختارگرایانه سوره قمر
۱۸	مقاله	مینا جیگاره؛ زهرا صادقی	۱۳۹۵	بررسی و تحلیل سوره انفطار با تکیه بر نظریه ساختارگرایی
۱۹	مقاله	علی خضری؛ رسول بلاوی؛ آمنه فروزان کمالی	۱۳۹۵	نگاهی سبک‌شناختی به سوره یس با تکیه بر دیدگاه‌های ساختار- گرایی

اولین آثار در حوزه نظریه ساختارگرا، آثار عارفی پور (۱۶)، دولتشاه (۱۷) و جیگاره و صادقی (۱۸) است. اثر خضری و همکاران (۱۹) اولین و تنها اثر با تصریح به عنوان سبک‌شناسی ساختارگراست. گفتنی است هر چهار اثر، علی‌رغم تفاوت جزئی در عنوان و البته تفاوت در سوره مورد مطالعه، در عمل مولفه و اصول سبک‌شناسی ساختارگرا را در سور مختلف پیاده‌سازی کرده‌اند و از جهت روشی و نحوه تحلیل تفاوت آشکاری میان آنها مشاهده نمی‌شود. این تفاوت عناوین که هم در این رویکرد و هم در سایر رویکردها مکرراً مشاهده می‌شود، حاکی از این است که هنوز انسجام مورد نیاز در مباحث علمی، میان محققان حاکم نشده است و این به نوبه خود ناشی از جدید بودن مباحث و عناوین آنها و در بسیاری موارد، عدم توجه به حد و مرزهای مصطلحات زبان‌شناسی در کاربرست قرآنی آنهاست.

همچنین از آنجایی که رویکردهای ساختارگرا و لایه‌ای به یکدیگر بسیار شباهت دارند به نحوی که در هر دو رویکرد لایه‌های آوایی، واژگانی، صرفی و نحوی مورد بررسی قرار می‌گیرند اما در رویکرد ساختارگرا بیشتر روابط بین عناصر و ساختار کلی مورد بررسی قرار می‌گیرد ولی در رویکرد لایه‌ای بیشتر لایه‌های مجزا و ترکیب آنها مورد دقت قرار می‌گیرد. گرچه که تفکیک میان این دو رویکرد کار مشکلی به نظر می‌رسد به گونه‌ای که در دوره‌های بعدی حتی اگر سخن از رویکرد ساختارگرا است اما در عمل رویکرد لایه‌ای بررسی می‌شود.^{۵۲} همین شباهت موجب شده تا عملاً در دوره‌های بعدی اثری از رویکرد ساختارگرا نباشد و درواقع مباحث آن در ذیل رویکرد لایه‌ای دنبال شود.

۵-۲-۳. رویکرد گفتمانی

^{۵۲}. برای نمونه نک: بشارتی و همکاران، کاوشی در صورت و محتوای نامه امام علی (ع) به عثمان بن حنیف (براساس رویکرد سبک‌شناسی ساختارگرا)؛ سراسر مقاله

این رویکرد که در دهه هفتاد قرن بیستم مطرح شد، به مطالعه ساختارهای متون از طریق بررسی ویژگی‌های زبانی، اجتماعی و فرهنگی متون می‌پردازد و هدف آن هم در مکتب انگلیسی - آمریکایی که به بررسی گفتمان از جهت گفتار و هم در مکتب فرانسوی (میشل فوکو^{۵۳}) که به بررسی گفتمان از جهت متن و نوشتار می‌پردازد،^{۵۴} بررسی پیوند میان متن و بافت (نهادهی، اجتماعی و سیاسی) است. در واقع تحلیل گفتمانی به بررسی ناگفته‌های یک متن و لایه‌های زیرین گفتار می‌پردازد^{۵۵} و زبان را در قلمروی فراتر از جمله بررسی می‌کند. ریشه این مباحث را می‌توان در منابع اسلامی یافت؛ جایی که بلاغیون، مفسرین، اصولیون و دانشمندان علوم قرآنی به ارتباط میان متن و بافت توجه کامل داشته‌اند.^{۵۶}

سبک‌شناس در این رویکرد تنها به سطح نحوی می‌پردازد، بدین شکل که ابتدا خود سطح نحوی که دارای دو لایه به نام سبک نحوی گسسته (برای جملات مستقل) و سبک نحوی هم‌پایه (برای جمله‌های مرتبط با هم) است را باید در متن مشخص کند. در مرحله بعدی سبک‌شناس باید جمله‌ها را به لحاظ کنش گفتاری (ناگفته‌های یک متن شامل شرایط زمانی، مکانی، فرهنگی و...) ^{۵۷} که خود به پنج گروه (کنش تصریحی یا اظهاری، کنش ترغیبی، کنش عاطفی، کنش تعهدی و کنش اعلامی)^{۵۸} تقسیم می‌شود، بررسی و مشخص کند. در مرحله بعد به بررسی تضادهای میان آنچه در متن هست و آنچه در متن نیست؛ اما در ارتباط با متن است، واکاوی دلیل انتخاب موضوع‌های مختلف در متن، چرایی تأکید، حذف و بزرگ‌نمایی در بیان مطالب و در نهایت ایدئولوژی حاکم بر متن می‌پردازد. در مرحله آخر به روابط بینامتنی متن و بافت فرهنگی-اجتماعی توجه می‌کند که برای این کار توجه به متون روایی، فقهی، کلامی و فلسفی برای کشف روابط پنهان متن حائز اهمیت هستند؛ مباحثی از قبیل قرائن حالیه و مقالیه، دلالت‌های ضمنی و التزامی، اراده جدی و استعمالی،^{۵۹} اسباب نزول، مکی و مدنی، ناسخ و منسوخ، سیاق و تناسب بین آیات و سوره.^{۶۰}

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۲۰	مقاله	رضا شکرانی؛ مهدی مطیع؛ هدی صادق زادگان	۱۳۹۰	بررسی روش گفتمان‌کاوی و چگونگی کاربست آن در مطالعات قرآنی

^{۵۳} Paul Michel Foucault.

^{۵۴} ماریک، دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ۲۶۱.

^{۵۵} فضائی و دیگران، «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه بر اساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری»، ۸۳.

^{۵۶} ر.ک: العموش، گفتمان قرآن (بررسی زبان شناختی پیوند متن و بافت قرآن)، ۴۱-۱۳۰.

^{۵۷} یارمحمدی، گفتمان‌شناسی رایج انتقادی، ۳۵.

^{۵۸} ر.ک: سرل، افعال گفتاری، ۱۳-۱۹.

^{۵۹} شکرانی و دیگران، «بررسی روش گفتمان‌کاوی و چگونگی کاربست آن در مطالعات قرآنی»، ۹۶.

^{۶۰} العموش، گفتمان قرآن (بررسی زبان شناختی پیوند متن و بافت قرآن)، ۸۲.

۲۱	مقاله	محمد جرفی؛ عباد محمدیان	۱۳۹۳	بررسی سوره عبَس از دیدگاه سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو
۲۲	مقاله	محدثه قادری؛ حسین خاکپور	۱۳۹۸	بررسی و تحلیل سوره مجادله بر اساس سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو
۲۳	مقاله	عبدالاحد غیبی؛ فرشته اصغری	۱۴۰۱	تحلیل بلاغی سوره "قلم" با تکیه بر الگوی سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو

توجه قرآن‌پژوهان ایرانی به رویکرد سبک‌شناسی گفتمانی را باید مرهون اثر شکرانی و همکاران (۲۰) دانست. در این اثر، مباحثی چون پیشینه مفهوم گفتمان و گفتمان‌کاوی، مراحل گفتمان‌کاوی و چگونگی کاربرست گفتمان‌کاوی در تحلیل آیات عصری قرآن مطرح و شش مرحله شامل واکاوی و فهرست‌برداری از واژگان، جملات و گزاره‌ها، چگونگی پیوستگی متن به لحاظ ساختاری و معنایی، تعیین ساختارهای درونی متن و معنای کلان آن، بررسی فهرستی از تضادهای دوگانه مابین متن و خارج متن و در نهایت توجه به روابط بینامتنی نص و همچنین بافت فرهنگی-اجتماعی، مورد بررسی و تأکید شده‌اند. متأسفانه در این اثر، خلط میان حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی از جمله حوزه معناشناسی و حوزه سبک‌شناسی و حتی خلط میان رویکردهای مختلف سبک‌شناسی از جمله رویکرد انتقادی، بیانی و گفتمانی مشاهده می‌شود.

اثر جرفی و محمدیان (۲۱) اولین مطالعه موردی جدی درباره یک بخش از قرآن به رویکرد سبک‌شناسی گفتمانی است. این اثر اگرچه به مبانی و پیش‌فرض‌های سبک‌شناسی گفتمانی ورودی نداشته؛ اما از لحاظ معین کردن معیارهای سبک‌شناسی گفتمانی و کاربرست آن، اثر قابل قبولی است. اثر قادری و خاکپور (۲۲)، در واقع نوعی کپی‌برداری از اثر (۲۱) است و مباحث عمده‌ای از اثر (۲۱) عیناً و بدون هیچ تغییری در اثر (۲۲) تکرار شده است و عملاً مطلب اضافه‌ای نسبت به اثر (۲۱) ندارد؛ جز اینکه سوره دیگری را بررسی کرده است. اثر غیبی و اصغری (۲۳) نیز ادامه‌ای بر دو اثر (۲۱) و (۲۲) است و مطلب جدیدی ندارد.

۴-۲-۵. رویکرد نقش‌گرا

این رویکرد که در اواخر دهه هفتاد میلادی در مقابل سبک‌شناسی صورت‌گرا و عمدتاً متأثر از افرادی مثل هلیدی^{۶۱} (انسجام) و رقیه حسن (پیوستگی انسجامی)، مطرح شد به بررسی زبان در کاربرد می‌پردازد؛ بدین معنا که هرگزینش زبانی، زمانی نقش‌مند و معنادار است که در یک بافت، نظام اجتماعی، نظام اعتقادی یا فرهنگ قرار گرفته باشد.^{۶۲} سبک‌شناس در اینجا عناصر دستوری، نقشی و معنایی را برای توضیح «نقش معنایی» می‌خواهد.^{۶۳} در اینجا سه فرانقش اجتماعی عمده شامل فرانقش اندیشگانی (بیان تجربه‌های درونی و بیرونی)، فرانقش بینافردی (بیان احساسات و کاربرد صورت‌های زبانی مناسب در برخوردهای اجتماعی) و فرانقش متنی و جمله‌سازی (که گوینده را قادر می‌سازد آنچه که می‌خواهد را منسجم و ساختارمند در

⁶¹ Michael Halliday.

⁶² راستگو، «جایگزینی واژگانی در متسابهات قرآنی با رویکرد سبک‌شناسی نقش‌گرا»، ۵۷-۵۸.

⁶³ فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۴۷.

قالب متن بیان کند) تحلیل می‌شوند.^{۶۴} در فرانش اجتماعی (تجربی) شش فرایند (مادی، ذهنی، رابطه‌ای، رفتاری، کلامی، وجودی)^{۶۵} جهت دستیابی به احساسات، اعتقادات و تأثرات صاحب کلام از طریق ساختار گذرایی (تعدی) تحلیل می‌شوند. در فرانش متنی عوامل ساختاری (ساخت مبتدا - خبری؛ آغازگر - پایان‌بخش؛ نشان‌دار - بی‌نشان بودن، ساخت اطلاعاتی و توازن) و عوامل غیرساختاری در سه بخش واژگانی (تکرار، هم‌آیی، هم‌معنایی، تضاد معنایی، رابطه جزء به کل و جزء به جزء)، دستوری (ارجاع، حذف و جایگزینی و ادات ربط) و آوایی (جناس، سجع و موازات) جهت بررسی انسجام و تناسب متن با بافت کلام، مورد تحلیل سبک‌شناس قرار می‌گیرند.^{۶۶} در فرانش بینافردی ساختار وجهی (خبر و انشاء) و باقی‌مانده عناصر (گزاره‌ساز، متمم، ادات) مورد تحلیل قرار می‌گیرند.^{۶۷}

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۲۴	مقاله	سید مصطفی احمدزاده	۱۳۸۷	تفسیر زبان‌شناختی سوره عصر
۲۵	مقاله	طاهره ایشانی؛ معصومه قزوینی	۱۳۹۲	بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا
۲۶	مقاله	علی صادقی؛ حسن نقی‌زاده؛ سید محمدکاظم طباطبایی	۱۳۹۴	تفسیر ساختاری سوره کوثر بر پایه نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی
۲۷	مقاله	کبری راستگو	۱۳۹۵	جایگزینی واژگانی در متشابهات قرآنی با رویکرد سبک‌شناسی نقش‌گرا
۲۸	مقاله	علی سلیمی؛ سمیه نادری	۱۳۹۶	خوانش ساختار بازنمودی قرآن براساس رویکرد نقش‌گرا (مطالعه مورد پژوهانه: سوره طاهّا)

برخلاف سایر رویکردهای سبک‌شناسی، سبک‌شناسی نقش‌گرا با همین عنوان، کمتر مورد استقبال قرآن‌پژوهان قرار گرفته است، از جمله اثر احمدزاده (۲۴) که اساساً نامی از سبک‌شناسی نقش‌گرا نمی‌برد، در حالی که پژوهش او با استفاده از برخی مولفه‌های

^{۶۴} ر.ک: صالحی، «علم معانی و دستور نقش‌گرای هلیدی»، ۳۵-۳۷.

^{۶۵} فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۴۹.

^{۶۶} راستگو، «جایگزینی واژگانی در متشابهات قرآنی با رویکرد سبک‌شناسی نقش‌گرا»، ۵۸؛ و دیگران، «سبک‌شناسی گفتمان خطبه ۴۲

نهج‌البلاغه بر مبنای نظریه نقش‌گرای هلیدی، ۸۳.

^{۶۷} صادقی و همکاران، «تفسیر ساختاری سوره کوثر بر پایه نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی»، ۵۴.

این رویکرد نگارش شده است. همچنین آثار دیگری مانند: اثر ایشانی و نعمتی (۲۵)، صادقی و همکاران (۲۶) و سلیمی و نادری (۲۸)، اگرچه با تصریح در عنوان به رویکرد سبک‌شناسی نقش‌گرا تعلق دارند؛ اما در عمل به مولفه‌های این رویکرد پایبندی ویژه‌ای را نشان نمی‌دهند.

اثر راستگو (۲۷)، شاید تنها اثری در این زمینه باشد که با عنوان سبک‌شناسی نقش‌گرا تدوین شده و دقیقاً مولفه‌های این رویکرد سبک‌شناسی را به‌کار برده است. این موضوع نشان می‌دهد در میان قرآن‌پژوهان، مرزبندی روشنی در به‌کارگیری اصطلاحات زبان‌شناسی در تحقیقاتشان وجود ندارد و در این خصوص، از اصطلاح بسیار عام «تفسیر زبان‌شناختی» تا کاربرد محدودتری چون «زبان‌شناسی نقش‌گرا» و تا اصطلاح دقیق «سبک‌شناسی نقش‌گرا» مشاهده می‌شود.

در این دوره تسرع در تطبیق دو دانش را می‌توان احساس کرد. نمونه آن را می‌توان در سبک‌شناسی نقش‌گرا یافت جایی که مفهومی به نام ساختار گذرایی (تعدی) مطرح می‌شود که آن را به معنی تمایز میان افعالی که نیاز به مفعول دارند و افعالی که نیاز به مفعول ندارند، دانسته‌اند؛^{۶۸} درحالی که ساختار گذرایی به کل بند نظر دارد نه فقط به فعل؛^{۶۹} و اساساً هدف سبک‌شناسی نقش‌گرا تحلیل بند است نه فعل.^{۷۰} نمونه دیگر این تقلیل معنایی را باید در تعریف فرایند دانست که آن را به فعل ترجمه می‌کنند^{۷۱} در حالی که فرایند (process) ناظر به روند انجام یک کار است و نه صرفاً یک فعل (verb) خاص. از همین رهگذر افعال موجود در قرآن را مورد توجه قرار داده و شش فرایند مد نظر در سبک‌شناسی نقش‌گرا را بر آنها تطبیق می‌کنند و حال آنکه نقش‌گرای نظام‌مند به جای بحث درباره فعل، مفهومی به نام فرایند را مطرح می‌کند.^{۷۲}

۳-۵. ظهور رویکردهای پیچیده‌تر سبک‌شناسی در مطالعات قرآنی

در این دوره که آشنایی زیادی با مباحث سبک‌شناسی در میان پژوهشگران حاصل شده و از طرفی پرداختن به تمام لایه‌های زبانی با توجه به اینکه هر لایه زبانی دارای چندین مولفه است و اینکه گاه یک مولفه، خود می‌تواند موضوع پژوهش در یک سوره باشد، موجب شده که تحقیقات، متمرکز بر یک لایه زبانی یا یک مولفه خاص از یک لایه زبانی باشد که هم بر عمق و غنای مباحث می‌افزاید و هم باعث شده مباحث زیبایی‌شناختی و بلاغی قرآن که در علوم بلاغی مقداری به آنها پرداخته شده، امروزه از گستره زیاد و ارائه شواهد فراوان قرآنی برخوردار باشد.

همچنین در این دوره تمرکز بر مباحث نظری و بنیانی در مطالعات سبک‌شناسی افزایش پیدا کرد و در ضمن، این ایراد که سخن از بررسی تمام سطوح باشد اما در عمل برخی از سطوح بررسی شود، کمتر وجود دارد.

^{۶۸}. عزیزخانی و دیگران، کاربست دستور نقش‌گرای هلیدی بر سوره انشراح، ۷۳.

^{۶۹}. سلیمی و نادری، خوانش ساختار بازنمودی قرآن براساس رویکرد نقش‌گرا (مطالعه مورد پژوهانه: سوره طاه)، ۱۳۴.

^{۷۰}. فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۴۹.

^{۷۱}. سلیمی و نادری، خوانش ساختار بازنمودی قرآن براساس رویکرد نقش‌گرا (مطالعه مورد پژوهانه: سوره طاه)، ۱۳۷.

^{۷۲}. فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۴۹.

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۲۹	مقاله	مرتضی سازجینی؛ عباس یوسفی تازه کندی	۱۳۹۵	سبک‌شناسی سوره جمعه
۳۰	مقاله	مرتضی سازجینی؛ عباس یوسفی تازه کندی	۱۳۹۵	سبک‌شناسی سوره ذاریات
۳۱	مقاله	عسگر بابازاده اقدم؛ حسین تک تبار فیروزجایی	۱۳۹۷	سبک‌شناسی سوره قمر
۳۲	مقاله	عسگر بابازاده اقدم؛ فاطمه فیوروقی	۱۳۹۸	سبک‌شناسی سوره نازعات

اگرچه در این دوره، هنوز تحقیقاتی به‌سان دوره‌های قبل و با همان ایرادات یافت می‌شود؛ مانند آثار سازجینی و یوسفی تازه‌کندی (۲۹) و (۳۰) و سایر مقالات این گروه، همچنین آثار بابازاده اقدم و همکاران (۳۱) و (۳۲) و ... که در سطوح آوایی، صرفی، نحوی، بلاغی و فکری به بررسی سوره‌ها پرداخته‌اند. این آثار در واقع به نوعی تکرار الگویی از پژوهش‌های دوره‌های قبل هستند.

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۳۳	مقاله	صلاح الدین عبدی؛ محمدزاده	۱۳۹۴	التناوب ظاهره اسلویه فی القرآن الکریم (دراسه فی سوره الاعراف انموذجا)
۳۴	مقاله	رضا رمضان اسفدن	۱۳۹۵	بررسی سبک‌شناختی خطاب نداء در سوره‌های مدنی قرآن کریم
۳۵	مقاله	مینا پیرزادینیا؛ مالک عبدی؛ راضیه قاسمی	۱۳۹۵	بررسی لایه‌ی آوایی سوره مبارکه انبیاء از منظر سبک‌شناسی

آغاز این دوره، اواسط دهه ۹۰ و تا زمان شکل گیری پژوهش (تابستان ۱۴۰۳) ادامه دارد؛ جایی که عبدی و محمدزاده (۳۳) تنها مولفه تناوب را به عنوان یکی از مولفه‌های لایه نحوی، در اثر خود بررسی کرده و رمضانی اسفندن (۳۴) در اثر خود، تنها شاخصه نداء را در سطوح صرفی، نحوی، بلاغی و تفسیری مورد بررسی قرار داده است.

از ویژگی‌های این دوره توجه به مباحث نظری یک مولفه خاص و عمق‌بخشی به آنهاست، به گونه‌ای که بخش قابل توجهی از ساختار یک مقاله به مباحث نظری اختصاص پیدا می‌کند؛ برای مثال، اثر پیرزادینیا و همکاران (۳۵)، علاوه بر اینکه تنها به لایه آوایی پرداخته، مباحث نظری مربوط به آواشناسی قرآنی را نیز تا حدودی مطرح کرده است.

با آغاز به کار فصلنامه مطالعات سبک‌شناسی قرآن کریم در سال ۱۳۹۶ که ضرورت آن به شدت در میان مطالعات زبان‌شناختی قرآن احساس می‌شد، فصل جدیدی از مطالعات سبک‌شناختی تخصصی قرآن آغاز شد که گرچه مطالعات مربوط به سایر حوزه‌های زبانی همانند معناشناختی و کاربردشناختی به وفور در آن یافت می‌شود؛ اما تمرکز اصلی آن بر مباحث سبک‌شناختی است. نگاهی به فهرست مقالات منتشر شده فصلنامه از آغازین شماره‌ها تا به امروز، حاکی از تخصصی شدن مباحث سبک‌شناختی، عمق‌بخشی به مطالعات، توجه به مبانی نظری، استفاده از شواهد آیه‌ای فراوان برای هر مبحث و پیوند ایجاد کردن میان مباحث سبک‌شناسی با سایر مطالعات زبان‌شناسی از جمله معناشناسی و کاربردشناسی است.

در این دوره شاهد تخصصی‌تر شدن رویکردهای مختلف سبک‌شناسی هستیم؛ برای مثال در رویکردها سبک‌شناسی گفتمانی، نظریه‌های خاص این نوع، مانند نظریه جان آستین یا نظریه سرل و یا یک مولفه خاص گفتمانی مورد توجه قرار گرفته است و اکثر پژوهش‌های اخیر این رویکرد، بر اساس این دو نظریه (آستین یا سرل) یا یک مولفه خاص از این نظریه‌ها انجام می‌شود که حکایت از روندی جدید از مطالعات سبک‌شناسی گفتمانی دارد.

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۳۶	مقاله	ابراهیم فلاح؛ اعظم دهقانی نیسیانی	۱۳۹۸	سبک‌شناسی گفتمانی ساختارهای مجهول (جزء سی‌ام قرآن کریم)
۳۷	مقاله	کلثوم شیبیک؛ حمید صباحی گراغانی؛ مرتضی عرب	۱۴۰۰	سبک‌شناسی گفتمانی سوره مومنون؛ مطالعه موردی لایه بلاغت

در همین راستا، اثر فلاح و دهقانی نیسیانی (۳۶)، ساختارهای مجهول، به عنوان ساختارهایی که مفهومی فراتر از مفهوم ظاهری جمله را نشان می‌دهند، مورد تحلیل سبک‌شناسی گفتمانی قرار می‌دهد. در این اثر، نیمی از ساختارهای مجهول جزء سی به صورت تصادفی بررسی شده است. اثر دیگر در این زمینه از شیبیک و همکاران (۳۷) است که برای اولین بار به جای لایه نحوی به لایه بلاغی توجه می‌کند و در آن به بلاغت بینافردی، بلاغت ساختاری و نقش آنها در تحلیل گفتمانی سوره مومنون می‌پردازد. گفتنی است این دو مولفه در هیچ مقاله سبک‌شناسی گفتمانی قبل از این اثر، مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.

در این دوره علاوه بر تخصصی شدن رویکردها، شاهد ظهور رویکرد سبک‌شناسی انتقادی هستیم که رویکردی به نسبت جدید و البته پیچیده‌تر از سایر رویکردها در حوزه سبک‌شناسی قرآنی است. این رویکرد را بدین جهت که آمیخته‌ای از چند رویکرد سبک‌شناسی است، می‌توان تا حدودی بهترین نوع سبک‌شناسی دانست، چرا که هم به متن و هم بافت و هم ایدئولوژی حاکم بر متن توجه دارد؛ اما متأسفانه در مطالعات قرآنی بدان کمتر توجه شده است.

سبک‌شناسی انتقادی، رویکردی است که نحوه شکل‌گیری مفاهیم اجتماعی همچون، گفتمان، ایدئولوژی و قدرت در زبان و شیوه بازنمایی آنها را تحلیل می‌کند. این رویکرد که برگرفته‌شده از زبان‌شناسی انتقادی، تحلیل گفتمان انتقادی، نظریه گفتمان و نظریه نقش‌گرای هلیدی است،^{۷۳} هدف از بررسی سبک را کشف فرایندهای ایدئولوژیکی پنهان در متن می‌داند.^{۷۴} در تفاوت میان تحلیل گفتمان انتقادی و سبک‌شناسی انتقادی می‌توان گفت که تحلیل گفتمان انتقادی بیشتر بر جامعه تمرکز دارد و متن دریچه‌ای برای ورود به مباحث اجتماعی و فرهنگی است، درحالی که سبک‌شناسی انتقادی، اگرچه دارای اهداف و ابزارهای مشترک با تحلیل گفتمان انتقادی است؛ بیشتر بر متن تمرکز دارد و ویژگی‌های سبکی متون را در بافت اجتماعی و با توجه به مقوله‌های ایدئولوژی و قدرت بررسی می‌کند.^{۷۵} راجر فاولر^{۷۶} (۱۹۹۹) پیشگام و طلایه‌دار سبک‌شناسی انتقادی، بازنمایی تجربه از خلال زبان، معنا و جهان‌بینی، نقش خواننده و همچنین رابطه بین متن و بافت را وظیفه سبک‌شناسی انتقادی می‌داند.^{۷۷} جفریز^{۷۸} در کتابش با نام «سبک‌شناسی انتقادی» (۲۰۱۰م) سعی کرد مجموعه ابزارهایی برای تحلیل انتقادی موفق ارائه دهد.^{۷۹} این ابزارها عبارت‌اند از: نامیدن و توصیف‌کردن،^{۸۰} بازنمایی کنش‌ها، رخدادها، فرایندهای اسنادی،^{۸۱} ترادف‌ها و تقابل‌ها،^{۸۲} مثال‌زدن و نام‌بردن،^{۸۳} اطلاعات و نظرات مهم‌تر،^{۸۴} معانی ضمنی و حقایق مسلم،^{۸۵} منفي کردن،^{۸۶} فرضیه‌سازی،^{۸۷} بیان‌گفته و اندیشه‌مشارکان دیگر^{۸۸} و بازنمایی زمان، مکان و جامعه.^{۸۹} این ابزارهای ده‌گانه به سبک‌شناس کمک می‌کند تا باورهای پنهان گوینده و میزان سرسپردگی‌اش به ایدئولوژی‌ها را مشخص کند.

^{۷۳}. فتوحی، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، ۱۸۶.

^{۷۴}. درپر، «سبک‌شناسی انتقادی رویکردی نوین در بررسی سبک بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی»، ۴۵.

^{۷۵}. درپر، «سبک‌شناسی انتقادی رویکردی نوین در بررسی سبک بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی»، ۴۱.

^{۷۶}. Roger Fowler

^{۷۷}. Fowler, *Linguistic Criticism*, 66-90.

^{۷۸}. L. Jeffries

^{۷۹}. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 14.

^{۸۰}. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 17.

^{۸۱}. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 37.

^{۸۲}. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 52.

^{۸۳}. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 56.

^{۸۴}. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 77.

^{۸۵}. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 93.

^{۸۶}. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 111.

^{۸۷}. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 118.

^{۸۸}. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 133.

^{۸۹}. Jeffries, *Critical Stylistics: The Power of English*, 146.

ردیف	نوع	نویسندگان	سال	عنوان
۳۸	مقاله	طاهره حیدری	۱۳۹۸	تحلیل دیدگاه روایی در سوره طه با تکیه بر الگوی سبک‌شناسی انتقادی سیمپسون

اثر حیدری (۳۸) از جمله مقالاتی است که با رویکرد سبک‌شناسی انتقادی نگارش شده است. در این اثر، از دیدگاه روایی، با بررسی چهار مولفه زمان، مکان، روانشناسی و عناصر وجهی (وجهیت)، داستان حضرت موسی (ع) مورد تحلیل سبک‌شناختی قرار گرفته تا از این طریق، ایدئولوژی حاکم بر متن کشف شود.

در دیدگاه زمانی بررسی واقع‌گرایی متن و میزان فاصله راوی از موضوع از طریق زمان‌های ماضی، مضارع، استقبال و نیز اسم‌هایی چون «الان»، «فردا»، «آینده» و غیره صورت گرفته است. زاویه دید مکانی بیانگر موضع راوی داستان است. در دیدگاه روانشناختی به لحن روایی در روایت (کانون‌سازی) پرداخته می‌شود. برای شناخت انواع وجه می‌توان از جمله، افعال کمکی وجهی، قیده‌های وجهی یا قیده‌های جمله، قیده‌ها و صفت‌های ارزش‌گذارانه، جمله‌های تعمیم‌دهنده، افعال شناختی و ادراکی و... استفاده کرد. طبق دسته‌بندی سیمپسون راوی می‌تواند نسبت به آنچه می‌گوید دیدگاهی مثبت، منفی یا خنثی داشته باشد. نظام‌های وجهی، امری و التزامی نشان‌دهنده‌ی دیدگاه مثبت و نظام‌های معرفتی و ادراکی نمایانگر دیدگاه منفی و نبود این نظام‌ها نشان‌دهنده‌ی دیدگاه خنثی است.^{۹۰} نگارنده اثر، با استفاده از این مولفه‌ها به تحلیل داستان حضرت موسی (ع) در سوره طه پرداخته است.

در این دوره عملاً برخی از رویکردها از جمله رویکرد ساختارگرایانه از دستور کار سبک‌شناسان قرآنی خارج می‌شود و عملاً تحقیق سبک‌شناسانه‌ای با این رویکرد صورت نمی‌گیرد. شاید علت عدم استقبال از سبک‌شناسی ساختارگرا در این دوره بدین جهت باشد که مولفه‌های آن در دیگر رویکردها خصوصاً رویکرد لایه‌ای مورد توجه قرار گرفته است و لذا سبک‌شناسی آیات قرآن بیشتر از طریق سبک‌شناسی لایه‌ای پیگیری شده تا سبک‌شناسی ساختارگرا؛ خصوصاً اینکه ساختارگرایی دوسوسوری توسط شاگردش بالی قاعده‌مند شد و با نام سبک‌شناسی بیانی (لایه‌ای) مطرح شد،^{۹۱} از این رو عملاً استقبال چندانی از سبک‌شناسی ساختارگرا نشد. دیگر اینکه چون در این رویکرد عمدتاً ساختار و شکل اهمیتش از معنا بیشتر است، کمتر در تحلیل‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، اگرچه که فرمالیست‌ها^{۹۲} همچنان از آن استفاده می‌کنند. شاید به خاطر همین توجه به ساختار و فرم است که سبک‌شناسی فرمالیستی (صورتگرا) در مطالعات قرآنی تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته است.

آینده‌پژوهی

^{۹۰}. حیدری، «تحلیل دیدگاه روایی در سوره طه با تکیه بر الگوی سبک‌شناسی انتقادی سیمپسون» ۳۸-۳۹.

^{۹۱}. هنداو، التفسیر الاسلوبی للقرآن الکریم؛ عرض و تقویم، ۴۰.

^{۹۲}. از دیدگاه فرمالیت‌ها، یک اثر ادبی صرفاً فرم و ساخت محض است و تنها آن را به عنوان یک مسئله زبانی بررسی میکنند و عقاید و افکار نویسندگان را در متن هرگز دخالت نمی‌دهند (یاوری و وفا، ۱۳۹۴: ۱۶۴).

همانطور که جفریز در کتابش بر ضرورت شناسایی ابزارهای جدید سبک‌شناسی علاوه بر آنچه که او بدان‌ها دست یافته، اشاره کرده است.^{۹۳} باید محققان قرآنی بر یافتن ابزارهای جدید سبک‌شناسی متناسب با قرآن و در راستای اهداف قرآنی اهتمام فراوان داشته باشند چرا که قرآن کتابی است فراتر از نظم و نثر بشری که ویژگی‌های فرامتنی و فراسبکی آن موجب شده بالاتر از هر متن بشری باشد لذا ابزارهای متناسب با خودش را لازم دارد تا ویژگی‌های سبکی‌اش را آن‌چنان که باید، مورد شناسایی و تحلیل قرار دهد. محدود کردن دامنه استفاده از رویکردها به چند رویکرد خاص و عدم استفاده از سایر رویکردها مثل سبک‌شناسی زنانه، آماری، چندرسانه‌ای، شناختی، پیکره‌ای، بنیادگرا و غیره در مطالعات قرآنی از دیگر امور است که باید بدان توجه شود. به عنوان مثال می‌توان آیات مربوط به حضرت مریم، حضرت آسیه، آیات ابتدایی سوره مجادله و تحریم و نیز برخی از آیات سوره یوسف را با رویکرد زنانه تحلیل کرد تا ویژگی‌های سبک زنانه از نگاه قرآن مشخص شود و بتوان تحلیل دقیق‌تری از آیات ارائه کرد. نیز از سبک‌شناسی پیکره‌ای برای تحلیل سوره‌های بزرگ قرآن استفاده کرد.

همچنین انتظار این است که در استخراج ابزارها از درون متن قرآنی، ویژگی‌های خاص هر متن قرآنی لحاظ شود. برای نمونه ابزارهایی که برای تجزیه و تحلیل ویژگی‌های سبکی آیات الاحکام، داستان‌ها، عقائد، آیات مربوط به ویژگی‌های قیامت و بهشت و جهنم و... لازم است متفاوت از یکدیگر است.

نتایج

بررسی جریان‌شناسانه مطالعات سبک‌شناسی قرآن در ایران نتایج ذیل را به همراه داشت:

۱. مطالعات سبک‌شناسی قرآن شامل سه دوره ورود، رشد و تخصصی شدن مطالعات می‌باشد. دوره ورود مطالعات سبک‌شناسی قرآن در ایران که مربوط به بازه زمانی اواسط دهه ۷۰ شمسی تا اواخر دهه ۸۰ است، علاوه بر ترجمه آثار عرب‌زبانانی چون محمدکریم کواز، خلود العموش و عبدالرئوف حسین، برخی از محققین داخلی نیز ورود به مطالعات سبک‌شناسی داشته که افرادی همچون دیانتی و ساجدی افراد شاخص این دوره می‌باشند. ویژگی این دوره مواردی همچون کلی‌گویی و مشخص نبودن چارچوب‌های مباحث، ابتدائی بودن و غیرکاربردی بودن مطالعات، عدم تفکیک میان سبک‌شناسی جدید با مباحث بلاغت قدیم و ضعف در بنیان‌های نظری است.
۲. دوره بعدی که دوره رشد نسبی و گسترش مطالعات و مربوط به اواخر دهه ۸۰ شمسی تا اواسط دهه ۹۰ است با چهار رویکرد لایه‌ای، ساختارگرا، گفتمانی و نقش‌گرا دنبال شد که البته عمده مطالعات با رویکرد لایه‌ای به انجام رسید. اولین مطالعات این دوره توسط محققینی چون خاقانی، شاملی، حسنعلیان و نظری و همکاران انجام شده است. مهمترین شاخصه‌های این دوره توجه به بنیادهای نظری، تطبیق مباحث بر آیات قرآن، تکرار پژوهش‌های صورت گرفته نسبت به دوره اول، حرکت به سمت تخصصی‌تر شدن مطالعات و استفاده از رویکردهای سبک‌شناسانه یادشده است.

^{۹۳} . درپر، «سبک‌شناسی انتقادی رویکردی نوین در بررسی سبک بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی»، ۴۸.

۳. دوره سوم که دوره ظهور رویکردهای پیچیده‌تر و تخصصی‌شدن مطالعات قرآن‌پژوهانه و مربوط به اواسط دهه ۹۰ تا حال حاضر است و در آثار افرادی چون فلاح و دهقانی، شیبک و همکاران و حیدری به عنوان افراد شاخص این دوره نمود داشته است. تمرکز بر یک لایه زبانی یا یک مولفه خاص از یک لایه زبانی، عمق‌بخشی به مطالعات، توجه به مبانی نظری، توجه به یک نظریه خاص از یک رویکرد سبک‌شناسی، ظهور رویکرد انتقادی، استفاده از شواهد آیه‌ای فراوان برای هر مبحث و پیوند ایجاد کردن میان مباحث سبک‌شناسی با سایر مطالعات زبان‌شناسی از جمله معناشناسی و کاربردشناسی از جمله ویژگی‌های شاخص این دوره است.

۴. از آنجا که مطالعات سبک‌شناختی قرآن در ابتدای راه قرار دارد، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران قرآنی به مطالعات سبک‌شناسی تخصصی به عنوان یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی جدید، که خصوصاً در چند سال اخیر رشد قابل ملاحظه کمی و کیفی داشته و به ظهور رویکردهای جدید از جمله سبک‌شناسی شناختی، پردازشی و پست مدرن انجامیده، توجه بیشتری داشته باشند تا شاهد افزایش بهره‌وری، کیفیت، عمق‌بخشی و تخصصی‌شدن در مطالعات سبک‌شناسی قرآن باشیم.

منابع

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمدبن مکرم. لسان العرب. بیروت: دارصادر، الطبعة الثالثة، ۱۵ج، ۱۴۱۴ق.
- ابن جنی، عثمان بن عبدالله. الخصائص. بیروت: دارالهدی، بی‌تا.
- ابوالعدوس، یوسف. البلاغه والاسلوبیه، مقدمات عامه. بیروت: الاهلیه للنشر والتوزیع، الطبعة الاولى، بی‌تا.
- بشارتی، فاطمه و همکاران. کاوشی در صورت و محتوای نامه امام علی (ع) به عثمان بن حنیف (براساس رویکرد سبک‌شناسی ساختارگرا). پژوهش‌های قرآن و حدیث سال ۵۳، بهار و تابستان، شماره ۱، ۱۳۹۹.
- جبر، عثمان مصطفی. الدراسات الاسلوبیه العربیه بین النظریه و التطبيق. عمان: وزارة الثقافة، الطبعة الاولى، ۲۰۰۷م.
- جرجانی، عبدالقاهر. دلائل الاعجاز. تحقیق: محمدشاکر، محمود. قاهره: مطبعه المدنی، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۳ق.
- جیگاره، مینا، زهرا صادقی. «بررسی و تحلیل سوره انفطار با تکیه بر نظریه ساختارگرایی». پژوهشنامه نقد ادب عربی. ش ۱۳ (پاییز و زمستان ۱۳۹۵): ۷۴-۵۰.
- حسنوند، صحبت‌الله. تحلیل متن سوره مریم براساس نظریه کنش گفتاری با تأکید بر الگوی جان سرل. پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال هفتم، تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۲۶)، ۱۳۹۸ش.
- حسینی، عبدالله، زهره ناعمی و مریم اطهری‌نیا. «سبک‌شناسی گفتمان خطبه ۴۲ نهج البلاغه بر مبنای نظریه نقش‌گرای هلیدی». فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره ۱۱، شماره ۴۱ (بهار ۱۴۰۲): ۷۳-۹۵.
- حیدری، طاهره. «تحلیل دیدگاه روایی در سوره طه با تکیه بر الگوی سبک‌شناسی انتقادی سیمپسون». پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال هفتم، شماره ۱ (بهار ۱۳۹۸): پیاپی ۲۵.

خاقانی، محمد و اصغری. محمدجعفر. سبک‌شناسی سوره مریم(ع). فصلنامه لسان مبین، سال دوم، دوره جدید، شماره یک، ۱۳۸۹ش.

درپر، مریم. «سبک‌شناسی انتقادی رویکردی نوین در بررسی سبک بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی». نقد ادبی، سال پنجم، شماره ۱۷ (بهار ۱۳۹۱).

درویش، احمد. الاسلوب و الاسلوبیه. بی‌جا: مجله فصول، عدد ۱، ۱۹۸۴.

درویش، احمد. النص البلاغی فی التراث العربی و الادبی. قاهره: مکتبه النصر، جامعه القاهرة، بی‌تا.

راجحی، عبده. علم اللغة و النقد الادبی (علم الاسلوب). بی‌جا: مجله فصول، عدد ۱۹۸، ۲.

راستگو، کبری. «جایگزینی واژگانی در متشابهات قرآنی با رویکرد سبک‌شناسی نقش‌گرا». زبان و ادبیات عربی، سال هشتم، شماره ۱۵ (پاییز و زمستان ۱۳۹۵).

زرین‌کوب، عبدالحسین. نظریه‌های ادبی ایران معاصر: از ابتدا تا پایان قرن بیست و یکم. تهران: انتشارات نگاه معاصر، ۱۳۸۵.

زرین‌کوب، عبدالحسین. شعری دروغ‌شعری نقاب. تهران: جاویدان، چاپ چهارم، ۱۳۶۳.

زمخشری، محمود بن عمر. الکشاف. بیروت: دارالمعرفة، بی‌تا.

زهراء، فاطمة. الأبعاد الأسلوبية في النص القرآني. دمشق: دارالفکر، ۲۰۲۳.

سادات‌الحسینی، راضیه سادات و دیگران. بررسی و تحلیل نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی در پرتوی نظریه نقش‌گرای هلیدی. جستارهای زبانی، دوره هفتم، خرداد و تیر، شماره ۲ (پیاپی ۳۰)، ۱۳۹۵ش.

سرل، جان آر. افعال گفتاری. ترجمه: محمدعلی عبدالحی. قم: پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ اول، ۱۳۸۵.

سلیمی، علی ونادری، سمیه. خوانش ساختار باز نمودی قرآن بر اساس رویکرد نقش‌گرا (مطالعه مورد پژوهانه: سوره طها). پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال پنجم، بهار، شماره ۱ (پیاپی ۱۷)، ۱۳۹۶ش.

سوسور، فردینان دو. دوره‌فزان‌شناسی عمومی. ترجمه: کورش صفوی. تهران: هرمس، ۱۳۷۸.

سیویه، عمرو بن عثمان. الکتاب. قاهره: المطبعة الکبری الامیریة ببولاق المصر المحمیه، ۱۳۱۷.

سیدی، سید حسینیو محمدعلی کاظمی تبار. «سبک‌شناسی خطاب‌های خداوند به پیامبر اکرم (ص)». مجله زبان پژوهی، دوره ۶، شماره ۱۰ (۱۳۹۳): ۸۶-۱۰۶.

شفیعی سروستانی، محمدرضا. سبک‌شناسی ادبی: رویکردی نظری به متون ادبی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۵.

شکرانی، رضا و مهدی مطیع و هدی صادق زادگان. «بررسی روش گفتمان کاوی و چگونگی کار بست آن در مطالعات قرآنی». پژوهش، سال سوم، شماره اول (بهار و تابستان ۱۳۹۰): ۹۳-۱۲۲.

شمیسا، سیروس. کلیات سبک‌شناسی. تهران: فردوس، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.

شوقی‌بنین، أحمد. الأسلوبية وتحليل الخطاب: مقاربات نظرية وتطبيقية. بیروت: دارالفارابی، ۲۰۲۱.

صادقی، علی و همکاران. «تفسیر ساختاری سوره کوثر بر پایه نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی». مطالعات تفسیری، سال ششم، شماره ۲۲ (تابستان ۱۳۹۴).

صالحی، فاطمه. علم معانی و دستور نقش‌گرای هلیدی. کتاب ماه ادبیات، شماره ۸ (۱۳۸۶): ۳۲-۴۱.

- صدقی، حامد و اشرف پرورش. سبک‌شناسی ساختارگرایانه خطبة ۸۷ نهج البلاغه. پژوهشنامه نقد ادب- عربی، شماره ۱۸ (بهار و تابستان ۱۳۹۸): ۱۷۱-۲۰۳.
- طرابلسی، محمد هادی. خصائص الاسلوب فی الشوقیات. تونس: منشورات الجامعة التونسية، ۱۹۸۱.
- عبدالرئوف، حسین. سبک‌شناسی قرآن کریم (تحلیل زبانی). ترجمه: پرویز آزادی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ- اول، ۱۳۹۰.
- عبدالمطلب، محمد. البلاغه والاسلوبیه. قاهره: هیئة المصریه العامه للكتاب، ۱۹۸۴.
- عدمان، عزیز محمد. سوره الفرقان: درسه اسلوبیه. اردن: الجامعة الاردنيه، ۱۹۹۰.
- عزیزخانی، مریم و همکاران. کاربست دستور نقش‌گرایی هلیدی بر سوره انشراح. پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال پنجم، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۲۰)، ۱۳۹۶ ش.
- العموش، خلود. گفتمان قرآن (بررسی زبان‌شناختی پیوند متن و بافت قرآن). ترجمه: سیدحسین سیدی. تهران: انتشارات سخن، چاپ- اول، ۱۳۸۸.
- غذامی، عبدالله. بلاغة النص: قراءات في الأسلوبية وتحليل الخطاب. المغرب: الدار البيضاء، المركز الثقافي العربي، ۲۰۲۰.
- فتوحی، محمود. سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۰.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد. العین. تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی. بیروت: مؤسسة دار الهجرة، المطبعة الصدر، الطبعة الثانية، ج ۸، ۱۴۱۰.
- فضائلی، مریم و محمدنگارش. «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل ازکنش‌های گفتاری». مطالعات اسلامی، علوم قرآن و حدیث، سال چهل و سوم، شماره پیاپی ۸۶/۳ (بهار و تابستان ۱۳۹۰).
- فضل، صلاح. بلاغة الخطاب و علم النص. کویت: سلسله عالم المعرفة، ۱۹۹۲.
- فضل، صلاح. علم الاسلوب. قاهره: موسسه مختار للنشر والتوزيع، بی‌تا.
- قائمی، محمد جواد. مقدمه‌ای بر سبک‌شناسی ادبی. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۴.
- کواز، محمد کریم. سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن. ترجمه: سیدحسین سیدی. تهران: انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- گیرو، پی‌یر الأسلوبیه. ترجمه: منذر عیاشی. حلب: مرکز الإنماء الحضاري، الطبعة الثانية، ۱۹۹۴.
- ماریک، ایرناریما. دانش نامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه: مهران مهاجر و محمدنبوی. تهران: نشر آگه، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
- مؤمن‌نژاد، ابوالحسن، سازجینی، مرتضی، موسوی، سید محمد، سبک‌شناسی سوره نازعات، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال پنجم، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۲۰)، ۱۳۹۶ ش.
- نصرتی، شعبان و همکاران، سبک‌شناسی سوره ذاریات، ذهن، پاییز، شماره ۷۱، ۱۳۹۶ ش.
- هنداوی، عبد الحمید. التفسیر الاسلوبی للقرآن الکریم: عرض و تقویم. بی‌جا: مرکز التفسیر للدراسات القرآنی، بی‌تا.
- هنداوی، عبد الحمید. مستويات دلالة الكلمة بين البلاغة والأسلوبية. قاهره: مجلة كلية دارالعلوم جامعة القاهرة، ع ۲۰۱۰، ۲۳.
- یار محمدی، لطف الله. گفتمان‌شناسی رایج انتقادی. تهران: سمت، ۱۳۸۵.
- یوسفی، غلامحسین. «نظری به سبک‌شناسی استاد بهار». آینده، سال دهم، ش ۳-۲ (اردیبهشت و خرداد، ۱۳۶۳).

- Burke, Michael. *The Routledge Handbook of Stylistics*. New York: Routledge, 2017.
- Eagleton, Terry. *Literary Theory: An Introduction*. Oxford: Blackwell Publishing, 1983.
- Fowler, Roger. *Linguistic Criticism*. 2nd ed. Oxford: Oxford University Press, 1996.
- Jefferson, Ann, and David Robey. *Modern Literary Theory: A Comparative Introduction*. New York: Routledge, 1982.
- Jeffries, Lesley. *Critical Stylistics: The Power of English*. Houndmills, Basingstoke: Palgrave Macmillan, 2010.
- Leitch, Vincent B., ed. *The Norton Anthology of Theory and Criticism*. New York: W. W. Norton & Company, 2001.
- Simpson, Paul. *Stylistics: A Resource Book for Students*. New York: Routledge, 2014.
- Stockwell, Peter. *Cognitive Poetics: An Introduction*. New York: Routledge, 2020.